

داستان پیچیده و عجیب یک جنایت خانوادگی



گروه حوادث - روزگور خشن در نقش عروس خانواده با طرح نقشه‌ای همچون سناویزی یک فیلم جنایی تصمیم به اجرای جنایت هولناکی گرفت.

این زن جوان که در اندیشه انتقام خونینی از برادر شوهرش بود پس از پوشیدن کت و شلوار خود را به شکل یک مرد درآورد و با اسلحه‌ای که با خود داشت پدر شوهر و دو نفر از برادران همسرش را به گلوله بست و سپس از محل جنایت گریخت.

همسایه‌ها پلیس را خبر کردند و رسیدگی به پرونده آغاز شد. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد که پدر خانواده و یکی از پسرانش به قتل رسیده و نفر سوم مجروح شده است.

همچنین آثار شلیک گلوله‌های متعددی روی دیوار و درهای خانه وجود داشت که این فرضیه را قوت می‌بخشد که ضارب اتاق به اتاق خانه را جست‌وجو کرده و احتمالاً به دنبال فردی خاص می‌گشته است.

در تحقیق از همسایه‌ها مشخص شد ضارب مردی با قدی متوسط و موهایی خرمایی بوده است. اما در حالی که پلیس به دنبال یک مرد در این پرونده می‌گشت خیلی زود مشخص شد که عامل این جنایت هولناک عروس خانواده بوده که با لباس مردانه و اسلحه‌ای در دست وارد خانه شده و پدر شوهر و یکی از برادران همسرش را کشته و متواری شده است.

بدین ترتیب وی دستگیر شد. فرشته در بازجویی‌ها مکن این جنایت خانوادگی شده اما سرانجام در بازجویی‌های فنی لب به اعتراف گشود و راز جنایت را بر ملا کرد.

او به کارآگاهان جنایی گفت: مدتی قبل یکی از برادران شوهرم به من تعرض کرد. من هم موضوع را به شوهرم گفتم. او هم از من خواست برای اثبات ادعاهایی که کردم برادر شوهرم فریاد - را به قتل برسانم. برای همین

به من اسلحه داد و با پوشیدن لباس مردانه به ساختمان سه طبقه پدرشوهرم رفتم تا فرید را بکشم اما همین که صدای اولین گلوله آمد و فرید از مرگ فاصله گرفت برادر شوهر دیگرم امیر و پدر شوهرم به آنجا آمدند، من هول شده و دست و پام را گم کرده بودم و با اسلحه‌ای که ۱۳ فشنگ داشت به طرف آنها شلیک کردم؛ پدر شوهرم و برادرشوهرم بر زمین افتادند و من خیلی زود فرار کردم.

با اعترافات تکان دهنده این زن جوان او در شعبه چهارم دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد. اما ماجرا به همین جا ختم نبود. چند ماه بعد یعنی روز بیست و دوم بهمن سال ۹۰ فرهاد - شوهر فرشته - نیز به قتل رسید. جسد این مرد جوان که دکترای شهرسازی داشت و از مدیران شهرداری به شمار می‌رفت داخل یک گودال کشف شد.

با انتقال جسد فرهاد به پزشکی قانونی علت قتل وی اصابت چاقو به ناحیه سینه گزارش شد. با شروع تحقیقات پلیسی مأموران موفق به

شناسایی قاتل شدند. چند روز بعد فرید برادر مقتول دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.

وی از زندان به شعبه چهارم دادگاه کیفری به ریاست قاضی اصغر عبداللهی و با حضور و اعظی مستشار ارشد دادگاه منتقل شد.

به دستور قاضی عبداللهی، فرشته - عروس خانواده - که پیش از این به‌عنوان قاتل برادر شوهر پدر شوهرش به قصاص محکوم شده بود به عنوان مطلع در این پرونده به شعبه چهارم منتقل شد.

در آغاز جلسه فرزند مقتول خواستار قصاص عمومی خود شد، سپس متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خودش گفت: می‌دانستم برادرم فرهاد می‌خواهد مرا بکشد حتی می‌دانستم گودالی به عنوان قبر برای من کنده بود تا مرا دفن کنند اما وقتی با این صحنه مواجه شدم پیش دستی کرده و با چاقویی که همراهم بود در دفاع از جان خودم او را کشتم.

پس از پایان اظهارات وی، زن جوان به‌عنوان مطلع به صورت غیرعلنی پشت میز محاکمه ایستاد تا به سؤالات قضات پاسخ دهد.

سرگذشت مادر عاصی و دختر سرکش!

نرم می‌کردم، متوجه شدمم باردار هستم و دیگر مجبور به ادامه زندگی نبودم، ولی «اسکندر» که با رفیق بسازی هایش درگیر اعتیاد شده بود، روزگار را بر من تلخ‌تر کرد و خودش آلوده خرده فروشی مواد مخدر شد.

چند روز بعد از به دنیا آمدن دخترم، در حالی که هنوز دوران نقاهتم را سپری می‌کردم، همسرم به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر دستگیر و روانه زندان شد. دیگر تردیدهایی از بسین رفت و با گرفتن طلاق غیابی به خانه پدرم بازگشتم. مشکلات خانوادہ پدري ام از یک سسو و گرفتاری مالی من برای سر و سامان دادن «نفسیه» از طرف دیگر، مرا به فکر ازدواج مجدد انداخت، چرا که احساس می‌کردم باید

سرپناهی برای خود و دخترم پیدا کنم. این بود که چند ماه بعد با یک جوان تبعه افغانستان آشنا شدم و تصمیم به ازدواج گرفتم. «سلیمان» یکی از دوستان پدرم بود که از چند سال قبل به طور غیرمجاز در ایران سکونت داشت. اگرچه او هم آلوده به مواد مخدر بود و کنار پدرم کارگری می‌کرد، اما حاضر شد سرپرستی دخترم را نیز بپذیرد و من از این موضوع خوشحال بودم.

به عقد سلیمان درآمدم و زندگی جدیدم را در حالی آغاز کردم که او همان درآمدها کارگری را صرف مخارج زندگی می‌کرد، ولی از آن جایی که سرنواست من به تازگی و تباهی گره خورده بود، او نیز دست بزن داشت و با هر بهانه‌ای تنگم می‌زد.

سکونت غیرمجاز او در ایران موجب شده بود از بسیاری امکانات اجتماعی محروم باشم. به همین دلیل با عصبانیت و پرخاشگری عقده‌های بیرون از منزل را بر سر من می‌ریخت. متوجه شدمم باردار هستم و دیگر مجبور به ادامه زندگی نبودم، ولی «اسکندر» که با رفیق بسازی هایش درگیر اعتیاد شده بود، روزگار را بر من تلخ‌تر کرد و خودش آلوده خرده فروشی مواد مخدر شد.

چند سال داری ۴۶ سال. چند سال است که بازداشت هستی؟ ۷ سال. به چه اتهامی؟ قتل برادر شوهر و پدر شوهرم.

چهار اتفاق افتاد که تصمیم به قتل این دو نفر گرفتی؟ ماجرا از زمانی شروع شد که شوهرم برای مأموریت چند روزی در خانه نبود و قرار شد برادر شوهرم به خانه ما بیاید تا پیش من و پسر هفت ساله‌ام بماند.

او وقتی به خانه‌مان آمد آمیوه خرید و من با خوردن آمیوه مسموم شدم و در حالتی که هیچ اختیاری نداشتم او به من تعرض کرد.... بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟ وقتی به‌هوش آمدم و متوجه شدم برادر شوهرم مرا تهدید کرد، او گفت اگر ماجرا را به کسی بگویم فیلم تجاوز را نشان خواهد داد.... من بسیار ناراحت بودم برای همین موضوع را به شوهرم گفتمم او گفت اگر می‌خواهی حرف‌هایت را اثبات کنی باید برادرم را بکشی، برای همین او اسلحه‌ای خرید و به من آموزش تیراندازی داد.

شش حادانه لباس مردانه پوشیدم و به خانه پدر شوهرم رفتم. من هفت سال است که به اتهام قتل در زندانم و به قصاص محکوم شدمم اما باید بگویم که برادر شوهرم عامل همه این جنایات‌ها است، او به من تعرض کرد و باعث ریخته شدن چند خون شد، من اصلا قصد کشتن برادر شوهر پدر شوهرم را نداشتم آنها بی‌گناه کشته شدند. این زن در ادامه گفت: من هفت سال است که پسرم را ندیدم.

سپس قاتل اتهام تجاوز را رد کرد و گفت همه این ماجرا دروغ است، من به خاطر اطلاعات و مدارکی که علیه برادرم داشتمم قرار بود کشته شوم.

با پایان اظهارات متهمان این پرونده قضات برآی صدور حکم وارد شورا شدند.

در همین حال مرا که آخرین روزهای ۱۶ سالگی را سپری می‌کردم به عقد یکی از بستگان دورش درآورد. تا به خود آمدم خیلی ساده و راحت مراسم عقدکنان و جشن ازدواج برگزار شد و من در مدت کوتاهی زندگی مشترکم را با «اسکندر» آغاز کردم، اما او جوانی رفیق باز بود و هیچ توجهی به من نداشتم. او که بیکار بود، بیشتر وقتش را با دوستانش می‌گذراند و هیچ نفعی برای مخارج زندگی به من نمی‌داد. وقتی دیر هنگام به خانه می‌رسید، بوی زننده مشروبات الکلی در فضای اتاق می‌پیچید. او از حالت طبیعی خارج می‌شد و اعتراض‌هایم را با مشت و لگد پاسخ می‌داد.

شرایط سخت زندگی ام به جایی رسید که دیگر تحملم را از دست دادم و در دوره‌ای طلاق یا ادامه زندگی باقی ماندم، چرا که با گرفتن طلاق و بازگشت به خانه پدرم بر بدبختی‌ها و مشکلاتم افزوده می‌شد.

در حالی که با این تردید دست و پنجه بریدم و در قزوین دفن کردم. در ادامه، دختر منتم به اتهام اختفای ادله جرم محاکمه شد. او وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: شوهرم مواد می‌کشید و مشروب زیاد می‌خورد. من سر این موضوع او را درگیری شدید داشتم و هر بار که می‌گفتم مواد نکش، مرا تنگ می‌زد. دوبار در خانه مادرش چنان مرا تنگ زد که مادرش من را از زیر دست او بیرون کشید. روز حادثه هم وقتی دیدم با دوستش مواد می‌کش، خیلی ناراحت شدم و با هم جروبحث کردیم. او طبق معمول به سمت من حمله کرد و تنگم زد. داشتم مرا خفه می‌کرد. مادرم برای اینکه نجاتم دهد با سنگ به سر شوهرم زد. من هم برای نجات مادرم به پلیس چیزی نگفتم و مدعی شدم شوهرم گم شده است. همه همسایه‌ها می‌دانستند شوهرم مواد می‌کش و من را تنگ می‌زد.

متهم گفت: من جلا خودم کارگری می‌کنم تا زندگی‌ام را تأمین کنم. بچهارم را از من گرفتند و سه سال است فرزندم را ندیده‌ام. سیاستمدار شدم. اگر طلاق نمی‌گرفتم به خاطر این بود که می‌دانستم اجازه نمی‌دهند بچهارم را ببینم. واقعا قصدی برای کشتن او نبود و من برای اینکه مادرم ادامه ندهد شوهرم را خفه کردم. نیش مادامم سپس پسر منتم ردیف اول به اتهام اختفای ادله جرم و جسد

محاکمه شد و در جایگاه قرار گرفت. او گفت: اتهام را قبول دارم. مادرم دروغ می‌گوید که در دفن جسد به من کمک کرد. او برای نجات من این حرف را می‌زند. او ما را به دندان کشید و بزرگ کرد. ما بتمیم بودیم. من مهندس معماری هستم و خودم کار می‌گیرم و کار می‌کنم. آن‌قدر فقیر هستیم که خودم در پروژه‌ها کارگری هم می‌کنم تا پول کارگر ندهم. در روزهایی که کار ندارم هم دست‌فروشی می‌کنم. آن روز هم برای اینکه از بازار مولوی جنس بخرم و در قزوین بفروشم به خانه خواهرم آمده بودم. من مولوی بودم که خواهرم زنگ زد و وقتی به خانه رفتم دیدم چه اتفاقی افتاده است. من می‌خواستم مادرم را نجات دهم. وقتی پلیس همه چیز را فهمید، مجبور شدیم اعتراف کنیم.

قرار گرفت. او گفت: اگر من به سر مقتول نمی‌گویم، دخترم را کشته بسود و من برای نجات دخترم این کار را کردم. زندگی‌ام سیاه بود و سیاه‌تر هم شده است. اقوام طردم کرده‌اند. می‌گویند جای زن در زندان نیست، به تو چه ربطی داشت که دخالت کردی. من قصد کشتن دامادم را نداشتم، فقط خواستم دخترم را نجات دهم. قضات بعد از پایان جلسه دادگاه برای تصمیم‌گیری در این باره وارد شور شدند.

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

شرکت فاخر آسانبر کیش
فروش، نصب و تعمیر انواع آسانسور
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۸۰۹۱۴

خدمات

فروش و معاوضه

استخدام

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

دسترسایمن بدون داربست
عایق نانو جهت جلوگیری از نفوذ آب باران به داخل اسکوپ سنگ‌های در حال ریزش (پیچ و رول پلاک)، شستشوی نما
شماره تماس ۰۹۱۲۰۸۱۴۳۵۴

معاوضه زمین ۴۸ هکتاری بین مشهد و قوچان با آپارتمان و یا زمین در جزیره کیش
تماس ۰۹۳۴۷۶۸۵۸۴۳

به دو نفر آقا و خانم کارشناس فروش جهت همکاری در یک شرکت معتبر در زمینه سرامیک های پرسلانی نیازمندیم
- خانم با مدرک تحصیلی حداقل لیسانس معماری یا دکوراسیون داخلی
- آقا/خانم با مدرک تحصیلی حداقل لیسانس عمران
ارسال رزومه به شماره واتس آپ ۰۹۳۴۷۶۸۸۴۲۰

آشکده سروستان
عرضه انواع آش وحلیم ویژه افطار
ساعت کار در ماه مبارک رمضان ۱۷ الی ۲۴
آدرس: فاز A2 مرکز خرید سرو ۸۰ غرفه ۱۱
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۸۳۰۸۵

ضد عفونی
اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی
تجاری، اداری، پروژه ها و ...
با مه پاش های سرد - فوری
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش

زمین در جزیره کیش
تماس ۰۹۳۴۷۶۸۵۸۴۳

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد نیازمندیم
۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

آشپزخانه و رستوران خاتون
ارزانترین غذای پرسنلی
با کادری مجرب و درخشان
همراه با سرویس رایگان
پشت خانه گستر جنب نمایشگاه ماشین
۰۹۳۴۷۶۸۲۵۳۳
۰۷۶۴۴۴۴۰۴۰۰

نقاشی روی لباس
(مطابق سلیقه و نظر شما)
هدیه‌ای خاص به عزیزان شما
جاودانه کردن لحظات شیرین زندگی
برای دیدن نمونه کارها به کانال ما سر بزنید:
@Narmelaaart
۰۹۰۳۱۰۴۳۸۳۹

خدمات

شرکت پاک سلمان کیش
به تعدادی نیروی خدماتی-نظافتی آقا جهت کار در مجتمع مسکونی نیازمندیم شماره تماس ۰۹۱۹۲۱۲۲۲۰۴

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

اصل قرارداد واگذاری قطعی قطعه شماره ۲۲۴ واقع در شهرک صدف - فاز ۷ جزیره زیبای کیش به شماره ۱۴۵/ق/۹۷/مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۸ منعقدہ فی مابین شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش و آقای مجتبی آدینه لو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

نیازمندیم
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

شهروند گرامی کیش!

به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیاز مند یهای روز نامه اقتصاد کیش چاپ می شود. از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهر وندان می پردازد لذا مسؤلیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، باروش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.